طرح اوليه  
تحوّل نظام قضايي مبتني بر ارزش‌هاي اسلامي

18 مرداد 1403

# ضرورت تحوّل در نظام قضايي

## عدم امكان توقف تحوّل

مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) درباره تحوّل نظام قضايي فرمودند: «امروز چند جمله، چند نكته در باب تحوّل قضائي، و تحوّل در دستگاه قضا عرض ميكنم … تحوّل يك چيزي نيست كه متوقّف بشود؛ تحوّل طبعاً در هر برهه‌اي از زمان با افكار جديد، با دريافتهاي جديد و ابتكارات تازه مطرح ميشود و ان‌شاءالله حركت تحوّلي همين طور ادامه پيدا خواهد كرد.» (همايش سراسري قوه قضائيه، 7/4/1399)

## گسترش بيّن مفاسد

مي‌دانيم كه نظام قضايي بايد مشكلات را حل كند نه اينكه خود مشكلات را افزون كند و موجب آشفتگي و بي‌نظمي در جامعه گردد كه در اين صورت نقض غرض خواهد بود. قانون‌گرايي، گسترش عدالت اجتماعي، تحقق آزادي‌هاي مشروع، مبارزه با فساد، پيشگيري از جرايم و اصلاح مجرمان، همه از وظايف نظام قضايي است.

در سال‌هاي اخير گسترش برخي مفاسد در ابعاد مختلف نظام اجتماعي؛ سياسي، فرهنگي و اقتصادي، نياز به تحوّل در نظام قضايي را به صورت ويژه و با فوريتي بيشتر از گذشته مورد توجه قرار داده است. يكي از مهم‌ترين شاخص‌هاي بيانگر ضرورت تحوّل، افزايش فساد در جامعه است.

# ويژگي‌هاي تحوّل در نظام قضايي

## ابتناي تحوّل بر مباني اسلامي

مقام معظّم درباره ويژگي‌هاي تحوّل مورد انتظار در قوّه قضائيه فرمودند: «قبلاً هم ما اين را عرض كرده‌ايم، حالا هم تأكيد ميكنيم كه تحوّل بايد بر مبناي اصول و مباني فكري اسلامي و ديني باشد؛ و الا اگر چنانچه تحوّل مبتني بر يك مبنايي نباشد، تحوّل نيست، تذبذب و هرج و مرج است. تحوّل، در چهارچوب و قالب يك مباني متقن و محكمي كه از اسلام و از قرآن و مباني ديني گرفته شده به وجود خواهد آمد.» (همايش سراسري قوه قضائيه، 7/4/1399)

نخستين ركن از اركان تحول در نظام قضايي ايران اين است كه اين تحوّل بايستي مبتني بر ارزش‌هاي اسلامي باشد.

## استفاده از رهنمودهاي مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله)

اسلامي شدن قضا از رهگذر تحليل انديشه‌هاي مقام معظم رهبري تسهيل مي‌شود. ايشان به كرّات، رسالت و چشم‌انداز و وظايف قوه قضاييه را مورد توجه قرار داده‌اند و داراي نظرات وزين در اين باره هستند.

ما براي حكمراني مطلوب قضايي نيازمند تحول، تعالي و شكل‌گيري دستگاه عظيم قضايي اسلامي مبتني بر بايسته‌ها و مؤلفه‌هاي حكمراني از ديدگاه رهبري در عرصه دادرسي قضايي هستيم تا شاهد نظام قضايي كارآمدي گرديم.

# موانع تحوّل در نظام قضايي

## لزوم آسيب‌شناسي و بررسي موانع تحوّل

اگر تحوّل به تأخير افتاده و از زمان عقب مانده، اين را بايد به دقّت بررسي كرد. موانع و مشكلاتي در مسير تحوّل قضايي وجود دارد كه بدون آسيب‌شناسي آن‌ها نمي‌توان طرحي كارآ براي تحوّل تدوين كرد.

مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) در اين باره فرمودند: «تحوّل كار بسيار دشواري است. گفتنِ به زبان آسان است كه تحوّل ايجاد كنيد؛ لكن تحوّل در عمل خيلي كار مشكلي است؛ علّت هم اين است كه مقاومتهايي در مقابل تحوّل هست…»

## بي‌حوصلگي و كسالت روحي

«بعضي مقاومتها از روي سوء نيت نيست؛ بعضي‌ها حال و حوصله‌ي تغييرات بنياني را ندارند…»

## ناتواني از حضور در عرصه تحوّل

«بعضي‌ها توانش را ندارند…»

## انتفاع از حفظ وضع موجود

«بعضي‌ هم ممكن است از وضع موجود منتفع باشند و نخواهند اين وضع، تغيير پيدا بكند…»

## مقاومت شبكه فساد

«البتّه در بيرون دستگاه قضائي هم شبكه‌ي در‌هم‌تنيده‌ي مجرم و مفسد و مانند اينها هم هست كه اينها هم قهراً مخالفند…»

## مخالفت‌هاي دشمنان با هر حركت اصلاحي

«پشت سر همه‌ي اينها هم نگاه دستگاه‌هاي دشمن و معاند با نظام جمهوري اسلامي است كه اصلاً‌ هر حركت اصلاحي در هر جاي جامعه‌ي اسلامي اتّفاق بيفتد، اينها ناراحت ميشوند، مقابله ميكنند، جوسازي ميكنند. اينها مخالفينند؛ مخالفين هم آرام نمي‌نشينند. شما با قوّت، با روحيه، با شجاعت وارد ميدان تحوّل ميشويد، آنها هم آرام نمي‌نشينند، آنها هم شروع ميكنند به مقابله كردن. جوسازي ميكنند؛ گاهي اوقات جوسازي‌هاي رسانه‌اي است، جوسازي‌هاي پيگير است…»

## مخالفت افكار عمومي

«در افكار عمومي مردم وسوسه ايجاد ميكنند كه واقعاً يكي از مواردِ «مِن شَرِّ الوَسواسِ الخَنّاس» اينجا است…»

## تزلزل در عزم راسخ مسئولان تحوّل

«يكي از كارهايي كه ميتوانند بكنند اين است كه عزم راسخ سردمداران تحوّل را متزلزل كنند؛ دائماً مشاورتهاي گوناگون كه «اين كار مصلحت نيست»، نگذارند اين كار انجام [بشود]. بنابر‌اين، مقاومت در مقابل تحوّل، از [جانب] اين جناحهاي مختلفي كه اشاره كرديم فراوان خواهد بود.» (همايش سراسري قوه قضائيه، 7/4/1399)

# وظايف نظام قضايي

قانون اساسي 19 اصل را به تعريف نظام قضايي اختصاص داده است، در ذيل «فصل يازدهم - قوّه قضائيه». اصل 156 قانون اساسي وظايف اين قوّه را چنين فهرست كرده:

1. رسيدگي و صدور حكم در مورد تظلّمات، تعدّيات، شكايات، حل و فصل دعاوي و رفع خصومات و اخذ تصميم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبيه كه قانون معين مي‌‌كند.
2. احياي حقوق عامه و گسترش عدل و آزادي‌هاي مشروع
3. نظارت بر حُسن اجراي قوانين
4. كشف جرم و تعقيب و مجازات و تعزير مجرمين و اجراي حدود و مقررات مدوّن جزائي اسلام
5. اقدام مناسب براي پيشگيري از وقوع جرم و اصلاح مجرمين

در صدر اين اصل قوّه قضائيه به عنوان «پشتيبان حقوق فردي و اجتماعي» و «مسئول تحقّق بخشيدن به عدالت» معرفي شده است.

# ابعاد و گام‌هاي تحوّل در نظام قضايي

## رفع تبعيض و مقابله با نفوذ روابط

مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) درباره مقابله با تبعيض و عدالت اجتماعي فرمودند: «مكرر از تحول در دستگاه قضايي و پيشرفت به سمت يك دستگاه قضايي سالم و كامل صحبت ميشود، و من از نزديك شاهدم كه واقعاً تلاشهاي زيادي هم انجام ميگيرد و رئيس محترم قوّه‌ي قضاييه و مسؤولان محترم واقعاً دلسوزانه تلاش ميكنند؛ انسان اين را كاملاً حس ميكند. من ميخواهم عرض بكنم كه اصلاح‌سازي دستگاه قضايي، در درجه‌ي اول به همين چيزهاست. ما كاري بكنيم كه شمول قوانيني كه قضاوت براساس آنها انجام ميگيرد، نسبت به همه‌ي افراد يكسان باشد و تبعيضي وجود نداشته باشد. من در حالات اميرالمؤمنين(عليه‌الصّلاةوالسّلام) مطالعه ميكردم، ديدم اين عدلي كه ما از آن بزرگوار شنيده‌ايم - اگرچه گمان نميكنم كه حتّي ما شيعيان و جوامع شيعي، آن عدالت را درست لمس و درك كرده باشيم كه چه بوده است؛ ليكن آن‌قدر عظيم بوده كه دنيا را پُر كرده است و آوازه‌ي عدل اميرالمؤمنين در همه‌جا گسترده شده است - به ميزان زيادي مربوط است به همين عدم رعايت جاذبه‌ها و ارتباطها، عدم رعايت خويشاوندي، حتّي عدم رعايت خدمات گذشته‌ي يك انسان، آن وقتي كه پاي محاسبه‌ي قضايي ميرسد. «حسّان‌بن‌ثابت»، مداح اميرالمؤمنين(ع) و كسي كه با دشمنان آن حضرت در جنگها مقابله كرده بود، در جرياني به امري مبتلا شد كه مستوجب حد بود. اميرالمؤمنين(ع) فرمود: بايد حد الهي بر او جاري بشود. «حسّان» گفت: يا اميرالمؤمنين! من آن كسي هستم كه براي شما آن همه شعر گفته‌ام. حالا ما باشيم، واقعاً اين‌جا چه فكر ميكنيم؟ آنچه كه در ذهنم هست، حضرت فرمودند: من حد خدا را به خاطر اين چيزها نميتوانم تعطيل كنم. روز ماه رمضان شرب خمر كرده بود، حد شرب خمر را جاري كردند؛ بيست تازيانه هم به عنوان تعزير بر هم زدن حرمت ماه رمضان به او زدند - مجموعاً صد تازيانه - كه اين بيست تازيانه‌ي آخر، بيشتر او را پوك كرده بود، كه اين ديگر چرا؟! همين قضيه هم موجب شد كه «حسّان‌بن‌ثابت» كوفه را ترك كرد و به شام رفت و به دستگاه معاويه پيوست و شايد از آن طرف هم عليه اميرالمؤمنين(ع) شعر گفت. طبق آنچه كه در نهج‌البلاغه است، «عبداللَّه‌بن‌عباس» كه حواري اميرالمؤمنين(ع) بود، و به تعبيري از لحاظ شخصيت و سوابق و خدمت به اميرالمؤمنين، نفر دوم در دستگاه خلافت آن حضرت محسوب ميشد - معلوم است كه «عبداللَّه‌بن‌عباس» نسبت به اميرالمؤمنين چه حالتي داشته است - سر قضيه‌ي پولهاي بصره، كه گزارشي به حضرت داده شده بود، به او نامه‌يي نوشتند؛ او هم گله كرد، اما حضرت گله‌ي او را با جواب تندي پاسخ دادند كه چرا گله ميكني؛ من دارم از تو حساب‌كشي ميكنم. اين، موجب شد كه «عبداللَّه‌بن‌عباس» از همان بصره به مدينه رفت و ديگر كوفه هم نيامد. البته به دشمنان اميرالمؤمنين نپيوست - معلوم بود كه نميپيوندد - اما از جبهه‌ي علي(عليه‌السّلام) خارج شد. وقتي كه انسان دقيق ميشود، از اين قبيل الي‌ماشاءالله در زندگي اميرالمؤمنين(ع) هست. ما بياييم اينها را قدري در زندگي خودمان خرد كنيم. واقعاً ما بايد تفكرات امروز خود را، با آنچه كه اميرالمؤمنين(عليه‌الصّلاةوالسّلام) انجام ميدادند، تصحيح كنيم. سياستهاي اصلي قوّه‌ي قضاييه اينهاست؛ هيچ تبعيضي قايل نشويم.» (ديدار مسئولان دستگاه قضايي، 5/4/1370)

## تعيين شاخص‌هاي تحوّل

مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) در بيان گام‌هاي تحوّل فرمودند: «اشاره كردند به تحوّل كه اين از جمله حرفهايي است كه ما هميشه در ملاقاتهاي قوّه‌ي قضائيه -چه در اين دوره، چه در دوره‌ي دوستان قبلي كه در رأس قوّه بودند- مكرّر اين را تكرار كرديم. خب تحوّل چه‌جوري به وجود مي‌آيد؟ ما اوّل بايد براي تحوّل شاخص معين كنيم؛ چه اتّفاقي اگر بيفتد، معنايش اين است كه قوّه تحوّل پيدا كرده؟ اين خيلي مهم است كه تحوّل به چه معنا است؛ اوّل شاخصهاي تحوّل را مشخّص كنيم…»

## زمان‌بندي دستيابي به شاخص‌ها

«بعد معلوم كنيم كه زمان‌بندي براي رسيدن به اين شاخصها چگونه است…»

## شتاب در تحوّل و عقب نماندن از مشكلات

«اگر چنانچه اين نباشد و همين‌طوري كه اشاره كردند -در گزارش هم من خواندم- بتدريج به‌سمت تحوّل برويم، اين تحوّل نخواهد شد؛ چون هميشه مشكلات جلوتر از حركتِ ما حركت ميكنند، اگر اين‌جور آرام بخواهيم حركت كنيم. تحوّل، يك كار تقريباً دفعي است كه بايد اتّفاق بيفتد. ميگويم «تقريباً [دفعي]»، نميگويم «تحقيقاً دفعي»؛ يعني بايد سريع، با شتابِ مناسب، يك اتّفاقي بيفتد كه معلوم بشود تحوّل انجام گرفت و آن شاخصها تحقّق پيدا كرد…»

## تغيير رئيس قوّه، بهترين زمان تحوّل

«زمانهايي كه رؤساي محترم قوّه، مسئوليت پيدا ميكنند، زمانهاي بسيار خوبي است و متناسب با اين است كه در اين زمانها به‌معناي واقعي تحوّل انجام بگيرد. هيچ اشكالي هم ندارد كه در طول چند دهه در قوّه‌ي قضائيه‌ي كشور، چند بار تحوّل اتّفاق بيفتد؛ اين كار، خيلي عادي و طبيعي است. يعني فرض بفرماييد كه جناب آقاي آملي با تحرّك خودشان، يك تحوّلي را در قوّه ايجاد ميكنند، نوسازي ميكنند، تازه‌‌سازي ميكنند، طراوت ميدهند، نشاط و جواني ميدهند؛ كانّه حركت را از نو شروع كردن. در يك دوره‌ي ديگر، كسي مي‌آيد همين را باز به يك شكل بهتري ترقّي ميدهد و پيش ميبَرد و تعالي ميبخشد؛ بايد اين‌جور ما به مسئله‌ي تحوّل قوّه نگاه كنيم» (ديدار رئيس و مسئولان قوه قضائيه، 6/4/1397)

## اهتمام متوازن به همه وظايف قوّه قضائيه

«يكي از موضوعات مهم در زمينه‌ي تحوّل اين است كه شما همه‌ي وظايف قوّه‌ي قضائيه را -كه خب وظايف زيادي است؛ در قانون اساسي ذيل پنج شماره وظايف قوّه‌ي قضائيه بيان شده كه البتّه بيش از پنج اصل است، چون در بعضي از اين بندها چند موضوع كنار هم قرار گرفته- بايد به صورت متوازن مورد توجّه قرار بدهيد و پيش برويد كه خوشبختانه ميبينم در گزارش جناب آقاي رئيسي بود؛ [مثلاً] مسئله‌ي احياي حقوق عامّه كه جزو اين وظايف است، يا پيشگيري از وقوع جرم كه جزو اين وظايف مهم است، ايشان به اينها توجّه كردند و اينها وجود دارد. من ميخواهم بگويم پيگيري متوازن همه‌ي وظايف، يكي از مسائلي است كه بايد مورد توجّه باشد؛ يعني ما وقتي كه به يكي از اين وظايف سرگرم شديم، مشغول شديم، از بقيه‌ي وظايف غافل نمانيم و آنها روي زمين نماند. حالا مثلاً فرض كنيد كه احياي حقوق عامّه از جمله‌ي اين وظايف است كه خيلي هم مهم است. احياي حقوق عامّه بسيار چيز مهمّي است؛ يا نظارت بر حُسن اجراي قوانين كه اين در قانون اساسي، جزو وظايف قوّه‌ي قضائيه است؛ يا پيشگيري از وقوع جرم يا اصلاح مجرمين؛ اينها همه جزو وظايفي است كه در قانون اساسي ذكر شده و هر كدام يك فصل مُشبع و مهمّي دارد…»

## جلوگيري از تضييع حقوق عامه

«احياي حقوق عامّه عمدتاً كار دادستاني‌ها است كه البتّه در اين برهه‌ي اخير خوشبختانه مشاهده شد. حالا هم كه جناب آقاي رئيسي گفتند كه ما منتظر دادخواست نميشويم، وارد ميشويم؛ بله، همين‌ جور است، يعني خود دادستاني‌ها در مواقع متعدّدي، وقتي كه احساس ميكنند در يك موردي حقوق عامّه دارد تضييع ميشود اينجا بايستي وارد ميدان بشوند و وارد كار بشوند كه [مواردي] ديده شد. در همين قضاياي سيل اوايل سال ۹۸، يك مواردي را دادستان‌ها وارد شدند؛ در جاهاي ديگر هم وارد شدند؛ در اين اواخر هم مواردي مشاهده شد؛ اين بسيار درست است…»

## شناسايي بسترهاي وقوع جرم

«يا مثلاً پيشگيري بسيار مهم است. در مورد پيشگيري آنچه حائز اهمّيت است اين است كه ما بسترهاي وقوع جرم و توليد جرم را درست بشناسيم. اگر اين بسترها شناخته شدند، دانسته شدند -كه من حالا بعد يك نكته‌اي را هم در اين زمينه عرض خواهم كرد- آن وقت شما راحت با آشنايي، با بصيرت ميتوانيد با وقوع جرم مقابله كنيد كه اصلاً جرم واقع نشود…»

## برنامه‌ريزي براي پيشگيري از جرائم

«ما اگر توانستيم پيشگيري را به معناي واقعي كلمه راه بيندازيم هزينه‌ي مقابله‌ي با جرم بشدّت كاهش خواهد يافت. وقتي كه بتوانيم پيشگيري را راه بيندازيم اصلاً از لحاظ مواجهه‌ي با جرم و مجرم هزينه‌ي كشور و هزينه‌ي قوّه‌ي قضائيه بشدّت كاهش پيدا ميكند؛ البتّه اين محتاج همراهي همه‌ي قوا است، بخصوص قوّه‌ي مجريه بايد در اين زمينه با قوّه‌ي قضائيه همراهي كند.» (همايش سراسري قوه قضائيه، 7/4/1399)

## بهره‌گيري از دانش و دانشمندان

«قوّه‌ي قضائيه نياز دارد به بهره‌گيري از دانشها و دانشمندهايي كه كارشان فقط دانش قضائي نيست. حالا مثلاً در همين زمينه‌ي پيشگيري از جرم؛ خب زمينه‌هاي جرم بعضاً روانشناختي است، بعضاً اقتصادي است، اين را كسي كه صرفاً دانش قضائي دارد مشكل بتواند بشناسد تا بتواند حل كند؛ در اين [مورد] شما طبعاً احتياج داريد به افرادي كه در زمينه‌ي روانشناسي جمعي، روانشناسي فردي داراي دانش باشند، [داراي] آگاهي باشند يا در زمينه‌ي مسائل اقتصادي درست بدانند كه چه چيزي بستر وقوع چه حادثه‌اي و چه مشكلي يا چه راه‌حلّي است؛ اگر چنانچه از نخبگان حوزه و دانشگاه در دانشهاي ديگر استفاده نشود، طبعاً قوّه‌ي قضائيه نخواهد توانست كار را آن‌چنان ‌كه بايد و شايد دنبال كند. يا همين احياي حقوق عامّه كه گفته شد؛ خب تعريف حقوق عامّه چيز آساني نيست، خود اين محلّ اختلاف است كه حقوق عامّه چيست؛ اين را طبعاً كساني كه تخصّص در اين بخش از حقوق دارند، ميتوانند براي شما تبيين كنند و روشن كنند. البتّه من شنيدم كه در جهت ابهام‌زدايي از مفهوم حقوق عامّه، دادستان محترم كل كارهايي كرده‌اند و مصاديق روشني را از حقوق عامّه مدوّن كرده‌اند و مشخّص كرده‌اند كه اينها به عنوان حقوق عامّه است؛ از جمله مثلاً مسئله‌ي محيط زيست را يا واگذاري بدون دقّت واحدهاي توليدي را، همين كاري كه حالا رئيس محترم قوّه دنبال ميكنند و بسيار هم كار درست و به‌جايي است كه گاهي اوقات ميشود كه اين كار، بظاهر كار فردي است امّا در واقع يك كار جمعي و مربوط به حقوق عامّه است؛ مثلاً واگذاري بنگاه‌هاي توليدي با عدم دقّت به آدمهايي كه يا ناصالحند، ناشايستند يا اينكه ناتوانند؛ خب اين منجر خواهد شد به اينكه ناگهان يك ضربه‌ي اساسي به كلّ توليد در كشور بخورد، اين ديگر مربوط به يك نفر و دو نفر نيست، اين حقوق عامّه است. بنابراين رسيدگي به اين قضيه يك امر مهم و لازمي است و به نظر من قوّه‌ي قضائيه از دانشها و دانشمندهاي بخشهاي مختلف هم در باب تحوّل بايد استفاده كند…»

## باور تحوّلي در بدنه نظام قضايي

«يك نكته‌ي ديگري كه اين را هم خوب است عرض بكنم، اين است كه حركت تحوّلي در قوّه‌ي قضائيه نميتواند صرفاً متكي باشد به يك مجموعه‌ي در رأس قوّه -حالا رياست محترم قوّه خب معلوم است كه به معناي واقعي كلمه دنبال تحوّل است- يا عناصر برجسته و صاحبان مناصب بالا؛ [بلكه] بايد در كلّ بدنه‌ي قوّه‌ي قضائيه اعتقاد به تحوّل وجود داشته باشد. خب حالا خوشبختانه ايشان در اين گزارشي كه اكنون دادند، اشاره ميكنند به اينكه اين معنا در قوّه‌ي قضائيه وجود دارد، مايه‌ي خرسندي است، من روي اين تأكيد ميكنم؛ يعني كاري بشود كه مجموعه‌ي قوّه و عناصر گوناگون در قوّه، و بدنه‌ي قوّه معتقد بشوند به اينكه بايد به معناي [واقعي] كلمه تحوّل پيشرفت‌گونه به سمت تحقّق اهداف عالي قوّه‌ي قضائيه انجام بگيرد…»

## روحيه خدمتگزاري به مردم

«يك نكته هم مسئله‌ي مردمي بودن است كه بنده قبلاً هم اين را مكرّر گفته‌ام، حالا هم در گزارش جناب آقاي رئيسي مسئله‌ي مردمي بودن بود؛ خب، مردمي بودن شقوقي دارد، مصاديقي دارد؛ يك جنبه‌ي مردمي بودن اين است كه قوّه‌ي قضائيه خودش را داراي شأن و روحيه‌ي خدمتگزاري به مردم بداند؛ نگاه، از بالا نباشد؛ گاهي نگاه‌هاي ما به مردم ممكن است [جوري باشد] كأنّه از بالا نگاه ميكنيم به مردم؛ نخير، ما جزو مردميم، بين مردميم، خيلي از اين مردم از ما بالاتر هم هستند و بنابراين اينكه كسي از موضع بالا به آحاد مردم نگاه كند غلط است؛ بنابراين روحيه‌ي خدمتگزاري [مهم است]. ما بايد خودمان را خدمتگزار مردم بدانيم؛ هر كدام ما در هر جايي كه هستيم. اين يكي از جنبه‌هاي مردمي بودن است…»

## سهولت دسترسي مردم به خدمات قضايي

«يك جنبه‌ي ديگر اين است كه ما كاري كنيم كه دسترسي مردم به قوّه‌ي قضائيه آسان بشود. يكي از كارهاي مهم اين است كه مردم براحتي بتوانند به مراكز مورد نيازشان در قوّه‌ي قضائيه دسترسي داشته باشند…»

## آگاهي قضايي بدنه جامعه

«يكي ديگر از مسائل مهم اين است كه مردم، اطّلاعات قضائي پيدا كنند؛ گاهي اوقات كساني، يك گرفتاري‌اي دارند كه اگر چنانچه مثلاً به فلان نقطه‌ي قوّه‌ي قضائيه مراجعه كنند، اين حل خواهد شد؛ [امّا]نميدانند، مطّلع نيستند و اين گرفتاري روي آنها فشار مي‌آورد، زندگي‌شان را زير فشار قرار ميدهد و گاهي مشكلات فراواني درست ميكند. بنابراين [بايد] اطّلاعات قضائي، آگاهي‌هاي قضائي مردم هم بالا برود…»

## ارتباط نزديك با مردم

«يكي هم به معناي حضور در بين مردم است كه خب الحمدلله من ميبينم مسئولين قوّه‌ي قضائيه -خود جناب آقاي رئيسي و بعضي ديگر- راحت بين مردم حضور پيدا ميكنند؛ اين خيلي خوب است؛ يعني با مردم مواجه بشويد، در بين مردم حضور پيدا كنيد؛ اين هم يك نقطه است. بنابراين اينها جهات مختلف و مصاديق مختلف مردمي بودن است…»

## استفاده از گزارش‌هاي مردمي

«يك مصداق ديگري كه اين را من يك نكته‌ي جداگانه‌اي قرار داده‌ام و اين هم خوشبختانه امروز در بيانات آقاي رئيسي بود، اين است كه مردم به قوّه‌ي قضائيه كمك كنند. حالا شما داريد با فساد مبارزه ميكند، خيلي خب، يكي از عواملي كه ميتواند شما را در اين راه كمك كند گزارشهاي مردمي است؛ وقتي مردم به شما گزارش دادند در زمينه‌ي مسائل مربوط به فساد، شما ميتوانيد از آن استفاده كنيد و بهره ببريد كه البتّه بعد راجع به اين توضيح خواهم داد؛ اين نكته‌اي است كه مربوط به آن بخش بعدي ما است كه مربوط به مسائل فساد است…»

## اطلاع‌رساني رسانه‌اي و هنري

«يك نكته‌ي ديگري هم در مورد تحوّل عرض كنيم كه اين نكته‌ي آخر است و آن، فعّاليت رسانه‌اي و هنري در باب كار قضائي و تحرّكات قضائي است. ببينيد، دشمنانِ حركت عمومي نظام جمهوري اسلامي از همه‌ي راه‌هاي ممكن براي دشمني استفاده ميكنند و به هر نقطه‌اي از نقاط نظام جمهوري اسلامي كه بتوانند، از همين طرق مختلف ضربه ميزنند كه از جمله‌ي [آنها] مسائل قضائي است…»

## نظارت بر فيلم‌هاي سينمايي

«حالا خارجي‌ها را كار ندارم، [امّا] متأسّفانه در داخل هم حتّي با غفلت بعضي از مسئولينِ مربوط به اين مسائل كارهايي ميكنند، فيلم‌هايي ميسازند كه اساس و مباني قضائي جمهوري اسلامي را زير سؤال ميبرد و متأسّفانه اين فيلم‌ها در بازبيني‌هاي اين نشست‌هاي عمومي هنري و مانند اينها مورد توجّه قرار نميگيرد و اينها اكران هم ميشود، روي پرده هم مي‌آيد و پخش هم ميشود؛ اين خيلي چيز بدي است. قوّه‌ي قضائيه بايد به اين مسئله توجّه كند، صرفاً كار تبليغاتي و رسانه‌اي اين نيست كه شما بياييد آمار بدهيد؛ خب بله، سخنگوي محترم قوّه‌ي قضائيه مي‌آيد توضيحاتي ميدهد، آماري ميدهد، خيلي هم خوب است، اينها لازم هم هست، امّا كافي نيست. اين كافي نيست كه ما بگوييم آقا ما اين كارها را كرده‌ايم؛ نه، براي اينكه ذهن مردم به معناي واقعي كلمه متوجّه به اين قضايا بشود، كار هنري لازم است، كار رسانه‌اي به معناي هنري لازم است؛ اين را جزو كارهاي اساسي بايد به حساب آورد…»

## اصلاح نگرش سينما به دادگاه‌هاي كشور

«شما ببينيد غربي‌ها در اين زمينه چه ميكنند؛ خب دادگاه‌هاي غرب در سينما و فيلم‌هايشان -حالا آن مقداري كه بنده ديدم، در فيلم‌هايي كه يا آمريكايي‌ها درست ميكنند، فيلم‌هاي هاليوودي، يا اروپايي‌ها درست ميكنند- يك نقطه‌ي عدالت خشك محضِ اين جوري است. اصلاً هيچ تعرّضي، تجاوزي به متّهم ندارند و تا يقين نكنند، حكم صادر [نميكنند]؛ دادگاه در فيلم‌ها اين جوري است، [امّا] بيرون را شما نگاه كنيد، الان وضع آمريكا را مشاهده كنيد، ببينيد چه كار ميكنند. هزاران نفر را به صِرف حضور در خيابان ميبرند زندان. اين آقاي رئيس‌جمهور محترم آمريكا هزاران كودك را از پدر مادرهايشان جدا كرد، در قفس انداخت؛ يعني روال كارشان اين جوري است. ميگويد كه اگر چنانچه فلان كار را بكنيد، دَه سال بايد برويد زندان؛ خب اين قانون نميخواهد؟ لازم نيست كه مثلاً كسي [طبق قانون عمل كند]؟ ميگويد: «من ميگويم بايد اين قدر حكم داده بشود»؛ يعني قضاوتهايشان اين جوري است، دادگاه‌هايشان اين جوري است امّا در مقام تبليغات كه شما نگاه ميكنيد، يك چيز شسته و رُفته و زينت‌كرده‌ و آرايش‌كرده‌اي است كه نشان ميدهند. خب من البتّه طرف‌دار اين نيستم كه ما بر خلاف واقع، چيزي را آرايش بدهيم؛ نخير، امّا همان واقع قضيه را، آن كاري را كه شما داريد انجام ميدهيد، مشخّص كنيد، بيان كنيد كه متأسّفانه عكسش وجود دارد؛ يعني گاهي اوقات در كشور ما فيلم‌هايي در مورد مسائل قضائي و آنچه مربوط به مسائل قضائي است ساخته ميشود كه درست عكس واقعيت است، يعني ضدّ واقعيت است كه من ديگر حالا اسم نمي‌آورم. اينها راجع‌ به مسائل تحوّل…»

## برخورد قاطع با فساد در كل جامعه

«در مورد مسئله‌ي فساد هم چند نكته را عرض ميكنيم؛ خب الحمدلله توجّه به قضيه‌ي فساد در قوّه‌ي قضائيه اوج گرفته. البتّه قبل از اين دوره شروع شده بود وليكن حالا بحمدالله در اوج است و مورد توجّه است؛ و مردم هم كه نگاه ميكنند مي‌بينند شما برخورد با مفسد ميكنيد، ملاحظه نميكنيد و قاطع وارد ميدان ميشويد، واقعاً خوشحال ميشوند، اميدوار ميشوند؛ چون فساد و مفسد يك ضربه‌ي بزرگي به زندگي مردم و به روحيه‌ي مردم و به ايمان و اعتقاد مردم است. حقيقتاً و انصافاً فساد مالي ــ به همراه فسادهاي ديگر كه حالا آنچه فعلاً در دستور كار قوّه‌ي قضائيه است، فسادهاي مالي و اقتصادي است ــ گرفتاري بزرگي است، يك ويروس خطرناكي است مثل همين ويروس كرونا؛ و مثل ويروس كرونا واگيردار هم هست؛ بشدّت واگيردار و مسري است؛ يعني فساد در يك جا، سريع و شديد به جاهاي مختلف سرايت ميكند. يك مفسد فقط خودش مفسد باقي نميماند، ديگران را هم به دلايل مختلفي به فساد سوق ميدهد؛ و اتّفاقاً در ويروس كرونا كه دست آلوده و ناپاك مايه‌ي انتقال ويروس است، در فساد هم دستهاي آلوده و ناپاك موجب ميشوند كه فساد منتقل بشود و دست‌‌به‌دست بشود؛ منتها خب در ويروس كرونا اين دست را اگر صابون زديم و شستيم، مسئله تمام ميشود [امّا] آنجا ديگر آن دست با صابون زدن و شستن تمام نميشود، جز قطع شدن چاره‌اي ندارد. بنابراين مسئله،‌ مسئله‌ي بسيار مهمّي است. مأموريت قوّه‌ي قضائيه مبارزه‌ي با فساد در كلّ جامعه است كه اين معلوم است؛ يعني مسلّماً در كلّ جامعه شما ميخواهيد با فساد مبارزه كنيد…»

## برخورد قاطع با فساد در داخل قوّه

«لكن در درجه‌ي اوّل، مبارزه‌ي با فساد در داخل خود قوّه است كه من اين را بارها مكرّر در ديدارهاي تقريباً همه‌ساله‌ي با عزيزان قوّه‌ي قضائيه تأكيد كرده‌ام و اصرار بر اين ورزيده‌ام. اگر چنانچه فسادي در داخل قوّه‌ي قضائيه به وجود بيايد، ضررش بسيار بيشتر از فساد بيرون قوّه‌ي قضائيه است؛ مثل همان «واي به روزي كه بگندد نمك» است؛ يعني اين‌ جوري نيست كه بتوانيم مثل بقيه‌ي فسادها با آن برخورد كنيم؛ نه، ضربه و سنگيني اين خيلي زياد است و حقيقتاً برخورد جدّي و كارشناسي لازم دارد. بنابراين در درجه‌ي اوّل، نگاه بايد به فساد درون قوّه‌ باشد. البتّه اينكه ميگوييم درجه‌ي اوّل، معنايش اين نيست كه اين را تمام كنيم، بعد بپردازيم به بقيه‌ي بخشها؛ نه، به صورت متوازن همان ‌طور كه قبلاً گفته شد، همه‌ي اينها بايستي پيش برود…»

## نگاه كارشناسي به بسترهاي فسادخيز

«نكته‌ي بعد اين است كه در زمينه‌ي فساد هم، به بسترهاي فسادخيز توجّه بشود؛ و اين احتياج دارد به نگاه كارشناسي؛ همان ‌طور كه قبلاً اشاره كردند. يعني بايستي با نگاه كارشناسي، زمينه‌ي بُروز فساد را و توليد فساد را شناسايي كرد، شناخت و با همان نگاه كارشناسي، به جنگ فساد رفت و براي ريشه‌كني فساد تلاش كرد و كار كرد…»

## عدم مصلحت‌انديشي و ملاحظه در مبارزه با فساد

«و ملاك قوّه‌ي قضائيه هم در مبارزه‌ي با فساد، حق و عدل و قانون است. يعني هيچ ملاحظه‌ي ديگري را نبايست كرد؛ ملاحظه‌ي حق را بايد كرد، ملاحظه‌ي عدالت را بايد كرد. و اگر چنانچه در يك موردي مبارزه‌ي با فساد، منطبق با حق و عدل و قانون است بي‌ملاحظه بايستي حركت كرد…»

## عدم تعدّي به غيرمجرمان

«البتّه من كه اصرارم بر عدم اغماض است، از آن طرف هم اصرارم بر عدم تعدّي است؛ يعني فقط بر عدم اغماض تكيه نميكنيم، بر عدم تعدّي هم تكيه ميكنيم. خداي نكرده اگر چنانچه كسي كه مجرم نيست و مفسد نيست و فاسد نيست، به عنوان مفسد و فاسد شناخته بشود و معرّفي بشود و با او رفتار بشود، اين ظلم بسيار بزرگي است؛ يا اگر چنانچه بيش از آن مقداري كه مستحقّ مجازات و مستحقّ ملامت است، مجازات و ملامت بشود اين هم كاملاً درست نيست؛ يعني وجود فساد و مفسد، خيلي خطرناك است امّا تعدّي به بي‌گناه به معناي واقعي كلمه از اين خطرناك‌تر است؛ اين را من تأ‌كيد ميكنم…»

## رفتار مطابق حق و عدل

«عزيزان و مسئولان قوّه‌ي قضائيه مراقب باشند -چه آنهايي كه در دادسراها مشغول كار هستند، چه آنهايي كه در دادگاه‌ها مشغول كار هستند- كه بر طبق حق و عدل رفتار كنند. يعني اگر يك جايي حق و عدل اقتضا ميكند شدّت عمل را، بدون ملاحظه اقدام كنند. آنجايي هم كه حق و عدل عدم شدّت عمل را اقتضا ميكند، جَو‌گير نشوند كه حالا چون جَو اين را ميگويد، ما مثلاً چنين بكنيم؛ اين، هم به عزيزان قوّه‌ي قضائيه [برميگردد]، هم به كساني كه بيرونند…»

## قضاوت مردم نسبت به رفتار قوّه قضائيه

«تماشاچيان دادگاه‌هاي شما هم در اين زمينه اظهار نظر [ميكنند]؛ بخصوص حالا كه فضاي مجازي يك چيز خيلي رايجي است و خيلي‌ها اظهار نظر ميكنند، قضاوت ميكنند در فضاي مجازي؛ و با بيانهاي خودشان، با نوشته‌هاي خودشان، در واقع در موضع يك قاضي قرار ميگيرند و رأي ميدهند و بر اساس اين رأي عمل ميكنند؛ گاهي دشنام ميدهند، گاهي تهمت ميزنند و كارهايي مانند اينها ميكنند؛ همه مراقب باشند، يعني آنهايي هم كه در بيرون قوّه‌ي قضائيه هستند مراقب باشند كه مبارزه‌ي با فساد منتهي نشود به تعدّي به كساني…»

## كمك به معيشت مردم و حركت اقتصادي جامعه

«يك نكته‌ي ديگر در مورد اين مسئله‌ي قوّه‌ي قضائيه و اين مبارزه‌ي با فساد [اين است كه] يكي از كارهاي خوب قوّه‌ي قضائيه حمايت از توليد و جلوگيري از تعطيلي اين واحدها است. اينكه حالا جناب آقاي رئيسي در گزارششان گفتند «هزار واحد توليدي»، اين خيلي مسئله‌ي مهمّي است، اين خيلي كار مهمّي است. واقعاً هر بخشي از نظام جمهوري اسلامي كه ميتواند كمكي به حركت اقتصادي جامعه بكند، وظيفه‌اش را انجام بدهد. مردم از لحاظ معيشت دچار سختي‌اند، يعني معيشت مردم سخت است؛ هر كسي ميتواند به مسئله‌ي اقتصاد كمك كند، بايستي كمك كند و يكي از كمكهاي قوّه‌ي قضائيه هم همين است كه جلوگيري كند از تعطيلي واحدهاي توليدي. اخيراً جناب آقاي رئيسي ابلاغ كردند كه بانك‌هايي كه حالا مثلاً بعضي از بنگاه‌هاي توليدي را مصادره كرده‌اند يا به عنوان گرو نگه داشته‌اند، حق ندارند اينها را تعطيل كنند؛ بسيار درست است اين حرف؛ اين كار كاملاً درست است؛ و اين قابل تعميم است؛ يعني ميتوانيد به موارد ديگر هم اين را تعميم بدهيد. مثلاً فرض كنيد كه بخش خصوصي از دولت كارخانه‌اي را ميخرد، بعد آن كارخانه را معطّل ميكند، معوّق ميكند، كارگرش را بيرون ميكند، ماشين‌آلاتش را حراج ميكند، زمينش را هم مثلاً يك ساختمان ۲۰ طبقه يا ۲۵ طبقه ميسازد! خب اينها ضربه‌ي به اقتصاد كشور است؛ اينها را ميتوانيد به معناي واقعي دنبال كنيد كه ارتباط با معيشت مردم دارد…»

## تشكيل دادگاه‌هاي تجاري

«يك نكته‌ي ديگر تشكيل دادگاه‌هاي تجاري است كه من قبلاً هم اين را براي رفع اختلافات اقتصادي گفته‌ام…»

## امنيت گزارشگران مردمي

«يكي از كارهاي لازم در مبارزه‌ي با فساد كه قبلاً اشاره كردم و گفتم برميگردم به اين، همين نظارتهاي مردمي است. خب براي نظارتهاي مردمي و گزارشهاي مردمي زيرساخت حقوقي در داخل قوّه لازم است؛ يعني شما بايد جايگاه اين را در داخل قوّه مشخّص كنيد كه اين گزارشها كجا برود، چه جوري بررسي بشود و صحّت و سُقم اين گزارشها شناخته بشود، چگونه دنبال بشود، امنيت آن گزارشگر هم چگونه محفوظ بماند؛ يكي از مسائل مهم اين است. آمر به معروف و ناهي از منكر كه از جمله‌ي آنها، همين گزارشگري است كه مي‌آيد راجع به وجود فساد در فلان نقطه، در فلان معامله، در فلان اداره به شما گزارش ميدهد، بايستي امنيتش ــ هم امنيت مادّي‌اش، هم امنيت معنوي‌اش ــ حفظ بشود و مورد تعرّض قرار نگيرد. گاهي اوقات ميشود مثلاً يك جوان مؤمن حزب‌اللهي متديني از روي احساس وظيفه مي‌آيد يك گزارشي به شما ميدهد، منتها چون قانون‌دان نيست، يك اشتباهي اينجا ميكند؛ مثلاً يك اسمي را كه نبايستي تصريح ميكرد در فلان‌ جا، اين را تصريح ميكند، يك اشتباهي ميكند در اين زمينه؛ آن كسي كه قانون‌دانِ قانون‌شكن است از همين اشتباهِ كوچك اين [جوان] استفاده ميكند و آن مَفسده‌ي بزرگ را پشت اين پنهان ميكند، اين جوان محكوم ميشود، او سالم درميرود! اين چيزها بايستي ملاحظه بشود. اين احتياج دارد به اينكه در داخل قوّه‌ي قضائيه يك زيرساخت و زيربناي حقوقي‌اي به وجود بيايد كه هم امنيت گزارشگران مردمي را تأمين بكند، هم صحّت و سقم آنها را. ضمناً راه هم براي تهمت‌زني باز نشود كه حالا تا ديدند كه يك دستگاهي هست كه گزارشهاي مردمي را گوش ميكند و قبول ميكند، هر كس با هر كسي مثلاً يك مختصر خرده‌حسابي دارد، فوراً او را متّهم بكند؛ نه، بايستي پيش‌بيني بشود و ملاحظه بشود كه اين [طور] هم نباشد. بالاخره آن كسي كه آمر به معروف و ناهي از منكر است بايد به قوّه‌ي قضائيه دلگرم باشد، بداند كه قوّه‌ي قضائيه پشتيبان او است. اين هم راجع به اين [نكته].» (همايش سراسري قوه قضائيه، 7/4/1399)

# نياز به بررسي و استفاده از طرح‌هاي تحوّلي موجود

از گذشته طرح‌هاي مختلفي براي تحوّل در قوّه قضائيه تدوين شده است كه مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) به آن‌ها اشاره كرده‌اند: «در مورد تحوّل، اوّلاً من شنيدم -ظاهراً در گزارش قوّه‌ي قضائيه هم بود- كه سند تحوّلي كه در سال قبل [سال 1398]، رئيس محترم قوّه تهيه كرده بودند و ارائه و ابلاغ كردند، ويرايشِ ارتقا‌يافته‌اي داده شده و آنچه امروز در دسترس قوّه‌ي قضائيه و مورد اهتمام قوّه‌ي قضائيه است، سندي است كه از لحاظ سطح كار، از سند اوّلي بالاتر و پيشرفته‌تر است؛ اين خبر بسيار خوبي است براي ما. آن طور كه به من گزارش شد اين سند را قوّه‌ي محترم قضائيه با همكاري نخبگان متعدّدي از حوزه و دانشگاه تهيه كرده، فراهم كرده كه اين سبْك كار هم، سبْك كاملاً درست و متين و منطقي‌اي است؛ و همچنين با استفاده‌ي از تجربيات برگزيدگانِ درون قوّه و مجرّبين قوّه، ارتقاي اين سند فراهم شده. اگر اين [سند] ابلاغ نشده، ابلاغ كنيد، دنبال كنيد و كارنامه‌ي اجراي برنامه‌هاي مترتّب بر اين سند را هم در وقت خود و در زمان خود منتشر كنيد كه مردم بدانند كه اين سند و اين برنامه‌ها تا چقدر پيش رفته؛ همين طور كه امروز بيان كرديد كه مثلاً حدود هشتاد درصد در مجموع به طور متوسّط پيشرفت كرده، اگر اين را با تفاصيل مردم بدانند، قطعاً در اميدواري به قوّه‌ي قضائيه تأثير دارد، كه اين خيلي مهم است.» (همايش سراسري قوه قضائيه، 7/4/1399)

# نقش مجلس در تحوّل نظام قضايي

بنا بر اصل 58 قانون اساسي، قوانيني كه در نظام قضايي مورد استفاده قرار مي‌گيرد توسط مجلس شوراي اسلامي تصويب مي‌شود: «اعمال قوه مقننه از طريق مجلس شوراي اسلامي است كه از نمايندگان منتخب مردم تشكيل مي‌شود و مصوبات آن پس از طي مراحلي كه در اصول بعد مي‌آيد براي اجرا به قوه مجريه و قضائيه ابلاغ مي‌‌گردد.»

يكي از مشكلاتي كه نظام قضايي در كشور با آن مواجه است قديمي بودن قوانين و اصلاح نشدن آن‌ها متناسب با تغيير شرايط زمان است. قانون تجارت يكي از قديمي‌ترين قوانين كشور است كه در سال 1311 هجري شمسي بر مبناي قانون بازرگاني 1807 ميلادي فرانسه معروف به كد ناپلئون تهيه و تنظيم شده است و هنوز جاري و ساري است. در حالي كه بسياري از حقوقدانان اين قانون را در شرايط امروز ناقص و مبهم مي‌دانند. به عنوان مثال در ماده 11 اين قانون آمده است: «حق امضاء از قرار هر صد صفحه يا كسور آن دو ريال به علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد است».

قانون «آئين دادرسي» نيز كه مستقيماً وظايف دادگاه‌ها را مشخّص مي‌كند جزئي از همين قوانين است كه پس از گذشت زمان بايد بازنويسي شوند. اگر چه در طول اين سال‌ها بخش‌هايي از آن‌ها كم يا اضافه يا ويرايش شده، ولي چارچوب اين قوانين نياز به تحوّلي بنيادين دارد، قوانيني كه بايد يك‌بار از نو و با استفاده از مباني و اصول اسلامي نگارش يابند.

# اقدامات ضروري و پيش‌نياز

پيش از هر اقدامي لازم است تا يك طرح تفصيلي براي تحوّل نظام قضايي تدوين گردد؛ اين طرح بايد بر مبناي قوانين اسلامي و مبتني بر رهنمودهاي مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) بوده و از تجربه طرح‌هاي پيشين استفاده كند، رسانه‌اي شود و همگرايي و عزم ملّي را تأمين نمايد. همچنين از ديدگاه كارشناسان و نخبگان استفاده كند و تمامي ابعاد نظام قضايي را شامل شود، از جمله وظايفي كه مجلس شوراي اسلامي در تنقيح قوانين دارد.

تحقّق تحوّل در نظام قضايي يك كشور اسلامي، مانند: جمهوري اسلامي ايران، اقتضا دارد به اخلاق و آداب قضاي اسلامي توجه گردد، بايسته‌هاي تربيت قاضي تراز مبتني بر انديشه‌هاي رهبري روشن و تبيين شود، به گونه‌اي كه منجر به شخصيت‌سازي و كادرسازي قضايي گردد، به نحوي كه شاهد اتقان آراي قضايي باشيم.

در اين راستا بايد اهداف، معيارها، سياست و اصول حاكم بر دادرسي اسلامي مورد بررسي و واكاوي قرار گيرد، تا تقويت اقتدار و استقلال قضايي را به دنبال داشته باشد. در نخستين گام‌هاي تحوّل بايستي عملكرد نظام قضايي موجود آسيب‌شناسي شده و نقاط ضعف و قوت آن بررسي گردد.

از سوي ديگر، بايد ظرفيت قوه قضاييه در عرصه حقوق بين‌الملل نيز بررسي گردد. به گونه‌اي كه نظام قضايي بتواند كنشگري فعال در قضاياي بين‌المللي، مانند: مبارزه با تروريسم، حقوق بشر اسلامي، حقوق زنان، دفاع از مظلومان و مستضعفان مسلمان يا غيرمسلماني كه در كشورهاي مختلف جهان مورد ظلم و ستم قرار مي‌گيرند داشته باشد.

در نهايت بايد براي مراقبت و نظارت دقيق و كامل بر نظام قضايي تدابيري انديشيده شود. به عنوان مثال نصب اجباري دوربين‌هايي كه به صورت تمام‌وقت در تمامي شعب دادگاه‌ها نصب، روشن و فعّال باشند و تمامي رفتارهاي قضات را به صورت آنلاين و برخط در يك بانك اطلاعاتي و آرشيو بزرگ در داخل قوّه ثبت و ضبط نمايند، تا در صورت هر شكايت و يا شبهه‌اي بتوان با دستور دادگاه انتظامي قضات به اين آرشيو دسترسي داشته و تخلفات قضايي را شناسايي و رفع كرد.